

## ایران در هفته ای که گذشت! (۵)

بهرام رحمانی

[bamdadpress@swipnet.se](mailto:bamdadpress@swipnet.se)

### خودکشی زنان

گزارش که از خودکشی زنان، توسط مرکز امور مشارکت بانوان براساس اطلاعات معاونت امنیتی وزارت کشور تهیه شده است، اختلافات خانوادگی را اولین دلیل خودکشی و سپس شکست و ناامیدی و فقر را به عنوان خودکشی زنان عنوان کرد.

براساس همین گزارش خودکشی زنان، در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال بیشتر از همه سنین دیگر بوده است. با این همه میزان خودکشی در زنان متأهل بیشتر از زنان مجرد است. مصرف دارو، نخستین راه خودکشی در زنان بوده و پس از آن خودسوزی به عنوان راه دوم شناخته شده است.

این گزارش حاکی از آن است که در آخرین آمارگیری انجام شده (۱۳۷۸)، بیشترین میزان خودکشی مربوط به استان‌های ایلام (۲۴/۹۱ درصد هزار نفر)، کرمانشاه (۲۴/۰۹ درصد هزار نفر) و خوزستان (۰۸۰ درصد هزار نفر) بوده است. هر چند در همین زمان در استان‌های ایلام، بوشهر، چهارمحال بختیاری، خراسان، کرمانشاه، کمکولیه و بویر احمد، مازنداران و یزد خودکشی زنان از مردان بیشتر بوده است.

روزنامه آفتاب نیز، با درج گزارشی از همایش «خشونت علیه زنان»، به مناسبت روز بین‌المللی «حذف خشونت علیه زنان در تمام دنیا»، در فرهنگ‌سرای بانو در تهران برگزار شد، از قول معاون اجتماعی و توسعه مشارکت زنان نوشت: براساس آمار ارایه شده بیشتر زنانی که مورد آزار قرار می‌گیرند، دچار افسردگی‌های شدید می‌شوند. جهانگیری اظهار داشت: بیشتر خشونت علیه زنان سیلی زدن و مشت زدن از سوی

شوهران آنان بوده است و سلطه جویی، دخالت اطرافیان، عصبی بودن شوهران نیز از علل عمده خشونت علیه زنان به شمار می‌آید.

جهانگیری با اعلام آمارها و ارقامی که از پنج استان کشور به دست آمده است، عنوان کرد، ۴۳ درصد از افراد مضروب افسردگی متوسط، ۳۴ درصد افسردگی شدید و ۲۳ درصد افسردگی خفیف داشته‌اند.

در ادامه تقوی، مدیر تحقیقات کاربری سلامت بهداشت وزارت بهداشت گفت: آمار نشان می‌دهد عمر زنان در دنیا بیشتر از مردان است، اما متأسفانه در بعضی از شهرهای ایران، آمار مرگ و میر زنان بیشتر از مردان است که نشانگر خشونت زیاد در این شهرها می‌باشد.

تقوی، افزود: براساس برآوردهای صورت گرفته هر ساله در ایران حدود ۳۰۰ هزار مرگ بروز می‌کند، به عبارتی روزانه ۸۰۰ تا ۸۵۰ نفر می‌میرند که از این میزان ۱۰۲ نفر بر اثر حوادث با میانگین سنی ۳۵ سال است. وی گفت: اغلب مرگ‌های زود هنگام ناشی از حوادث و خشونت‌هاست و مهم‌ترین علت از دست رفتن عمر حوادث عمدی و غیرعمدی است که در سنین ۴ تا ۱۵ سالگی، ۴۵ درصد و در سنین ۱۵ تا ۴۹ سالگی ۵۰ درصد مرگ و میرها را شامل می‌شود.

وی در پایان گفت: در ایران آخرین امید به زندگی ۷۰ سال برای زنان و ۶۶ سال برای مردان برآورد شده است. به عبارتی براساس این برآورد میانگین سن هنگام مرگ زنان کمتر از مردان است و هر زمان این میانگین برابر شد نشان می‌دهد که زنان مورد فشار و ضربه قرار گرفته‌اند.

روزنامه همبستگی نیز در شماره ۱۷ شهریور ۱۳۸۱، با استناد به یک تحقیق، نوشت: روزانه ۲۰ نفر در تهران اقدام به خودکشی می‌کنند که هشت مورد از آن‌ها منجر به فوت می‌شود و ۵۴ درصد از کسانی که پس از اقدام به خودکشی به طرق مختلف از مرگ نجات یافته‌اند، از زنده ماندنشان ابراز نارضایتی کرده‌اند. در این تحقیق آمده است: ۳۶ درصد از خودکشی‌ها در فصل بهار و ۳۰ درصد در فصل زمستان صورت می‌گیرد که این امر نشان‌دهنده افزایش آمار خودکشی در این فصول است. همچنین با وجود بالا رفتن خودکشی از دو هزار و پانصد و هشت نفر در سال ۷۸، به دو هزار و پانصد و نود و نه

نفر در سال ۷۹، همچنان مهر محرمانه دولت بر آسیب‌های اجتماعی موجب عدم رسیدگی کامل به این معضل شده و انتظار می‌رود در سال‌های آینده خودکشی مهم‌ترین عامل مرگ و میر افراد جامعه شود، چرا که خودکشی صرفاً پدیده‌ای فردی نبوده و ناشی از عوامل اجتماعی و زیستی است. از سوی دیگر نابسامانی‌های اجتماعی نیز می‌توانند نقش به‌سزایی در افزایش آن داشته باشد. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد، در کشورهای دنیا رشد خودکشی با اقدامات وسیعی جهت جلوگیری از آن همراه بوده است...».

شکی نیست که سرکوب‌های سیاسی، خفقان و سانسور شدید و یاس و ناامیدی از جمله مسائل مهمی هستند که در خودکشی افراد نقش دارند.

بر اساس آخرین آمارهای رسمی، جمعیت زنان کشور، به ۳۲ میلیون نفر رسیده است. زنان با سواد بیش از ۹۰ درصد جمعیت زنان را تشکیل می‌دهند و ۶۲ درصد از ورودی امسال به دانشگاه‌ها از میان دختران جوان بوده است.

## رابطه با آمریکا

سایت اینترنتی «امروز» که مدیریت آن را سعید حجاریان و علی‌رضا علوی تبار، به عهده دارند، در رابطه با سخنان ظریف نماینده جدید جمهوری اسلامی ایران، با ایالات متحده آمریکا نوشت: نماینده تازه ایران در سازمان ملل بار دیگر تاکید کرد وظیفه اصلی‌اش در سازمان ملل، لابی در مورد ایران و ایالات متحده است و اجازه این فعالیت را نیز از مقامات ارشد کشور دریافت کرده است. آقای ظریف در دیدار با گروه منتخبی از مدیران روزنامه‌ها و در آستانه سفر به نیویورک گفت هر کاری انجام دهد با صلاحیت مقامات ارشد کشور خواهد بود و بنابراین بهتر است روزنامه‌ها از جوسازی و خراب کردن اقدامات او و تیمش خودداری کرده و قضاوت‌های عجولانه نکنند... چند هفته پیش، در دیداری مشابه با برخی از نمایندگان مجلس، آقای ظریف همین موضوع و توصیه را با آنان نیز مطرح کرده و افزوده بود برنامه تصویب شده‌اش این است که با هر سه جناح موثر در سیاست آمریکا در مورد ایران لابی برقرار کند. وی دو شرط خود را چنین برشمرده بود که اولاً باید از ایران فقط یک صدا شنیده شود و دوم این که نمایندگان مجلس وارد هیچ‌گونه مذاکره و ارتباط و تبادل پیامی با نمایندگان کنگره آمریکا نشوند. آقای ظریف

در مورد این که چه صدایی باید از ایران شنیده شود، عمل به تکلیف و عدم امکانش را در جلوگیری از اظهار مواضع برخی از مقامات کشور یادآور شده بود.... اخبار دیگر حاکی است آقای ولایتی و معاونانش، دفتری در امارات تاسیس کرده‌اند که عنوان آن دفتر آموزش است و از همین مرکز تیم اصلی حل مسائل ایران و آمریکا را شخص ولایتی و ملکی رهبری می‌کنند. گفته شده است که ظریف باید فقط فضا سازی کند و کار اصلی به عمده تیم یاد شده است.

### **اظهارات رحیم صفوی**

اول سپتامبر ۲۰۰۲، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «رهبران حزب منحلہ دمکرات و گروهک کومه‌له تعهدنامه رسمی داده‌اند که هیچ‌گونه عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی انجام ندهند.

سردار سرلشکر سیدیحیی رحیم صفوی، دیروز شنبه در گفت‌وگو با ایرنا در سنندج (مرکز استان کردستان- غرب ایران) افزود: «این گروهک‌ها از نظر جمهوری اسلامی مرده محسوب می‌شوند و پایگاهی در منطقه ندارند. رحیم صفوی، به زمان و نحوه تعهد دادن رهبران گروهک‌های دمکرات و کومه‌له اشاره نکرد، اما گفت: این گروهک‌ها نمی‌توانند خطری برای جمهوری اسلامی محسوب شوند...».

شکی نیست که یکی از شیوه‌های دایمی رژیم جمهوری اسلامی و سازمان اطلاعاتش، انتشار ادعاهای کاذب و دروغین و فضا سازی علیه اپوزیسیون است. با توجه به این امر، اگر از این ادعای فرمانده سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، مبنی بر مذاکره حزب دمکرات و زحمتکشان بگذریم، با واقعیتی روبه‌رو می‌شویم که از بخش فارسی رادیو سوئد (پژواک)، از کنفرانس «اقلیت‌های ملی، حکومت‌های محلی و دمکراسی در ایران، ترکیه و عراق»، که توسط «مرکز بین‌المللی اولاف پالمه» در استکهلم برگزار شده بود، پخش گردیده است.

رایو پژواک، در این گزارش که روز دوشنبه ۲ سپتامبر ۲۰۰۲، پخش کرد، از جمله خبر داد که: «... از سوی دیگر عبدالله مهتدی دبیرکل سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له)، روز شنبه ۳۱ اوت ۲۰۰۲، در نشست در استکهلم، از پیشنهاد جمهوری اسلامی به این سازمان و حزب دمکرات کردستان ایران، برای انجام مذاکره خبر داد.

مهتدی گفت که سازمان او مخالف مذاکره نیست، مشروط بر این که در یک کشور اروپایی و زیر نظر انترناسیونالیست سوسیالیست انجام شود».

شایان توجه است که اعلام این مسئله از سوی رحیم صفوی و عبدالله مهتدی، تقریباً هم زمان بوده است، منتها یکی در استکهلم و دیگری در سنندج. این امر نشان‌دهنده این واقعیت است که ارتباطاتی بین نمایندگان جمهوری اسلامی و سازمان زحمتکشان و حزب دمکرات صورت پذیرفته است. حال این مذاکرات در کجا بوده است و پیش شرط این مذاکرات چه مسائلی بودند، هنوز اطلاع مستندی در دست نیست.

سازمان زحمتکشان، با صدور اطلاعیه‌ای در تاریخ دوم سپتامبر ۲۰۰۲، از جمله می‌نویسد: «ما به این وسیله اظهارات رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران در مورد تعهدنامه رسمی کومه‌له را تکذیب و اعلام می‌داریم که این گفته گاملاً ساختگی بوده و از هیچ واقعیتی برخوردار نیست...».

این رویداد زمانی روی می‌دهد که در هفته‌های اخیر فعالیت‌های تروریستی رژیم جمهوری اسلامی، بر علیه مخالفین در کردستان ایران و عراق، به ویژه کومه‌له شدت یافته و یکی از اعضای کومه‌له و حزب کمونیست ایران نیز در شهر بانه، توسط سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی ترور شده است.

### **فتوای تروریستی ملاحسنی**

بنا به گزارش ایرنا، ۱۵ شهریور ۱۳۸۱، ملاحسنی نماینده ولایت فقیه در آذربایجان غربی و امام جمعه ارومیه، در غرب ایران گفت: ما با افزودن به تعداد «کسروی»ها و کم کردن از «نواب صفوی»ها به این کشور خیانت کردیم...».

ملاحسنی، که بنا به سنت امامان و رهبران رسماً فتوای ترور صادر می‌کند، جنایت‌کاری معروفی است که در اوایل انقلاب بهمن ۵۷، جنگ ترک و کرد را در نقده راه انداخت و حمله‌های وحشیانه به کردستان، قتل عام مردم بی‌گناه «قارنا» و «ایندرقاش» را رهبری کرد.

### **عدم شرکت در نماز جمعه**

سردمداران جمهوری اسلامی مدت‌هاست که از عدم حضور مردم در نمازهای جمعه می‌نالند و به دنبال راه‌هایی می‌گردند که به نوعی مردم را به نماز جمعه‌ها بشکابند. اکنون به نظر می‌رسد این نگرانی سردمداران رژیم، ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده است. از این رو سیدعلی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در تاریخ ۱۶/۶/۸۱ با ارسال نامه‌ای به دوازدهمین اجلاس سراسری نماز در کرمان، در کرمان، چنین فتوا می‌دهد: «همه باید در این حرکت بزرگ که شایسته است جهاد نامیده شود، خود ملتزم و متعهد بدانند. علمای دین، روشنفکران، هنرمندان، جوانان، پدران و مادران و همسران، دارندگان منبرها و رسانه‌ها، نویسندگان و بیش از همه مسئولان بخش‌های حکومتی مانند: وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، سازمان‌های تبلیغاتی، مراکز تولید سینمایی، پژوهش‌گاه‌ها، مدیرانی که نیروی انسانی کلانی در قبضه امر و نهی آن‌ها دارند، مانند نیروهای مسلح، وزارت‌خانه‌ها، کارگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس، وسایل حمل و نقل و غیره و غیره...»

خامنه‌ای می‌افزاید: اینان هر یک به گونه‌ای می‌توانند و می‌باید در این حرکت همگانی سهیم گردند و نقش ویژه خود را بگذارند. این کار با سهل‌انگاری و کم‌همتی به سرانجام خود نمی‌رسد. از برترین شیوه‌ها و فنی‌ترین و هنری‌ترین ابزارها باید بهره گرفته شود. نمایش نماز جماعت مهجوری، با جمع معدودی، آن‌هم از فرسودگان بی‌نشاط، ترویج نماز جماعت نیست...».

از سوی دیگر سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور نیز، در گشایش این اجلاس تاکید کرد: «جامعه نمازگزار، جامعه‌ای فقیر و عقب مانده نیست. خاتمی، با تاکید بر این که باید روح نماز را در جامعه تقویت کنیم، پیام خامنه‌ای به دوازدهمین اجلاس نماز را مهم توصیف کرد و از مسئولین دستگاه‌های اجرایی کشور خواست اقدامات خود را در زمینه گسترش فرهنگ نماز در جامعه اعلام کنند...».

بدین ترتیب، شاید سران رژیم جمهوری اسلامی، در تلاشند معضل بی‌کاری، اعتیاد، فحشا، خودکشی و غیره را با کشیدن اجباری دانش‌آموزان و کارمندان کارگران و ارتشیان و بسیجیان به نماز جمعه حل کنند!؟

از سوی دیگر، به طلاطم افتادن سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، از رهبر تا رئیس

جمهور، برای بسیج اجباری مردم در شوه‌های نماز جمعه، نسان‌دهنده این واقعیت است که از دور شدن هر چه بیشتر مردم از جهل و جهالت اسلامی، و رشد افکار و گرایش‌های مدرن و سکولار و آتئیست و کمونیست است. سال‌هاست حتا مردم متوهم نیز از جمهوری اسلامی و قوانین قرآن و اسلامی آن بی‌زار و متفر شده‌اند. اکنون اکثریت مردم ایران، خواهان یک جامعه آزاد و برابر و انسانی هستند. بنابراین این ترفندهای جدید جمهوری اسلامی، برای کشیدن مردم به مساجد و نماز جمعه‌ها، یعنی محلهایی که غیر از تبلیغ خرافات مذهبی و سازمان‌دهی سیاست‌های جنایت‌کارانه کارساز نیست.

۸ سپتامبر ۲۰۰۲